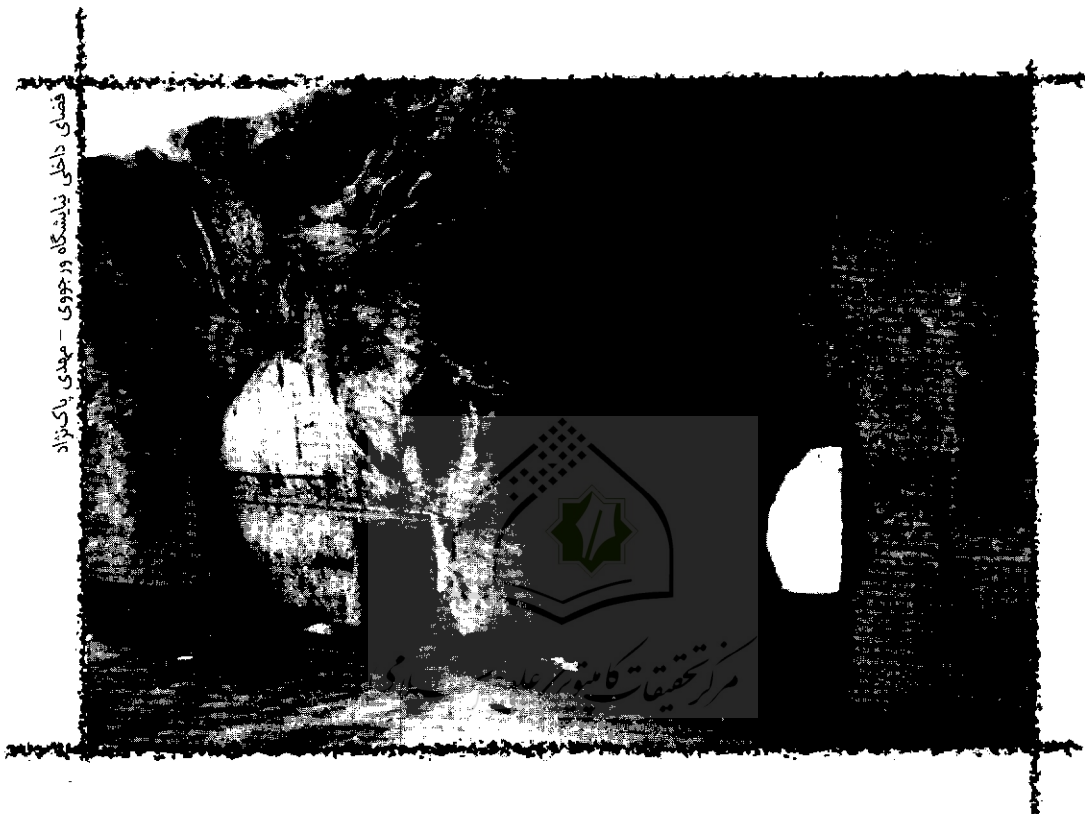


# نیایشگاه‌های صخره‌ای در ایران

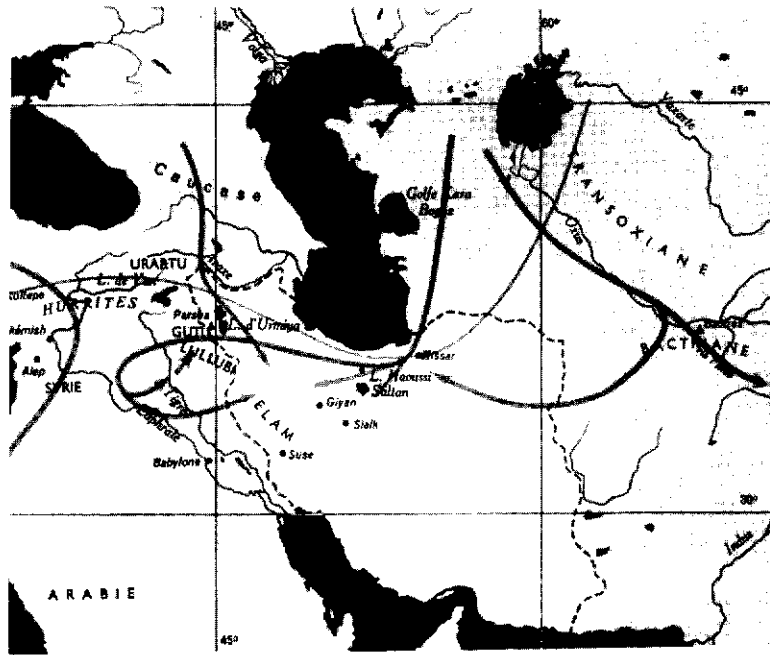
میترا آزاد



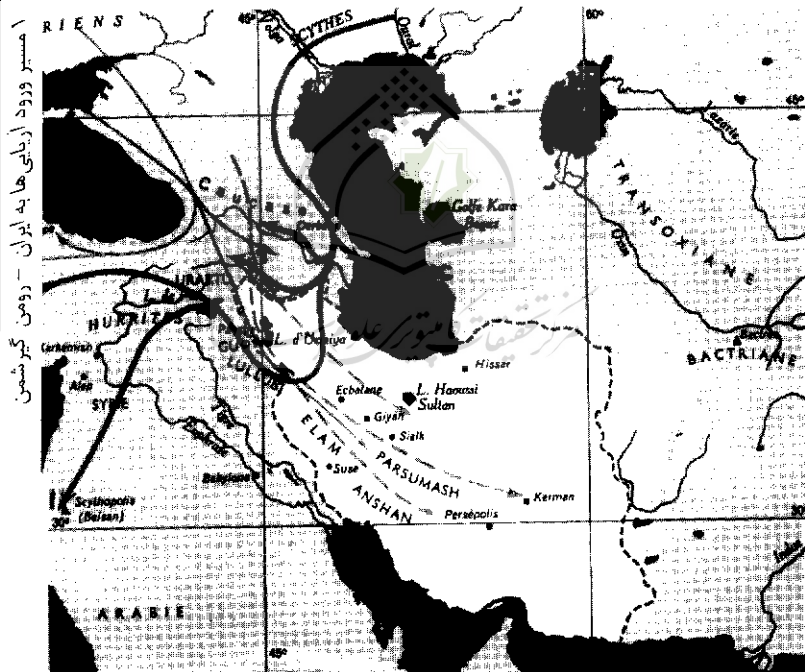
## مقدمه:

در این مقاله ورود آریایی‌ها به ایران و سپس نیایشگاه‌های آنان بررسی می‌شود. این مهاجرت نقطه عطفی در تاریخ ایران می‌باشد، زیرا از این پس نام کشور به نام این قوم نامیده می‌شود. منطقه‌ی ماد و پارس، شمال باختر و سغد نیز جزء منطقه‌ی ایریانا (آریانا) بوده است.

جدایی آریایی‌های هند و ایران طبق کتیبه‌ی بغازکوی حدود ۱۳۵۰ ق.م. قلمداد می‌شود. خدایان آریایی هندی شامل ایندرا، وارونا و آگنی - رب النوع آتش - بوده اند. نزد آریایی‌های ایران ورثرغنه و میتر - رب النوع آفتاب - اهمیت بیشتری داشته‌اند. طبیعت پرستی، اعتقاد به قوای دوگانه خیر و شر و معاد، هسته‌ی مرکزی اعتقادات آنها را تشکیل می‌داد. طبق جدول ارائه شده، مشابهت خدایان آریایی هند، ایران، بابل و یونان نمایانگر مشابهت اعتقادی اقوام در جهان باستان می‌باشد. حتی در کتیبه‌های به دست آمده از کاسی‌ها، هیتی‌ها و میتانی‌ها هم نام مهر دیده می‌شود. مهر خدای روشنایی است، سرود مهریشت در اوستا نیز، در ستایش او آمده است. مراحل مذهب مهر و گسترش این آیین و هم چنین نیایشگاه‌های مهری که در اروپا کشف شده و چند نمونه از نیایشگاه‌های صخره‌ای ایران نیز مورد بحث قرار می‌گیرد.



(A) A LA FIN DU 2<sup>ME</sup> ET AU DÉBUT DU 1<sup>ER</sup> MILL. AV. J.-C.



مسیر ورود آریایی‌ها به ایران - رومن سکرین

## ۱- ورود آریایی‌ها به ایران :

در هزاری سوم پیش از میلاد موجی از مهاجران به نام آریایی یا هند و ایرانی وارد ایران شدند. مهاجرت آریایی‌ها از دو سوی دریای کاسپی (خزر) می‌باشد. دشت گرگان بین دریای کاسپی و کوه‌های البرز یک شکاف طبیعی است که مهاجرت به سوی فلات از آنجا صورت می‌گیرد و به همین جهت در زمان ساسانیان دیوار آجری به طول چندین کیلومتر کشیده شد تا از آن برای دفاع در برابر مهاجمان استفاده شود. کوه‌های خراسان نیز به دلیل ارتفاعات

کم، عبور را سهل می‌کند. رشته کوه البرز در شمال ایران تا انتهای غربی آذربایجان ادامه می‌یابد. آذربایجان نیز به دلیل داشتن راه‌ها، پذیرای مهاجران از ناحیه‌ی قفقاز بوده است. شعبه‌ی آریایی هند و اروپایی از بقیه‌ی شعبه‌ها قدیمی‌تر است زیرا آثار تاریخی ادبی آنها مثل ریگ ودا از حدود قرن چهاردهم ق.م. شروع شده است. از نظر برخی باستان‌شناسان، آریایی‌هایی که به طرف جنوب آمدند به سه شاخه‌ی اصلی تقسیم شدند، شاخه‌ی هندی - شاخه‌ی ایرانی - شاخه‌ی سکایی. جدایی شاخه‌ها از هم را حدود ۲۴۰۰ ق.م. تخمین زده‌اند. دانشمندان، سکاهای آسیای میانه را از شاخه ایرانی می‌دانند

پرستی، اعتقاد به قوای دوگانه و در عین حال اعتقاد به معاد یا سرنوشت انسان پس از مرگ، هسته‌ی مرکزی عقاید آریایی‌ها را تشکیل می‌داد. در باورهای آریایی‌های ایران، دروغ زشت‌ترین دستیار اهریمن است. تکامل و تحول عقاید آریایی‌های ایران بر نوع هندی سبقت دارد و ایرانیان زودتر از شاخه‌ی هندی به یکتا پرستی رسیده‌اند. دعاها و اعمال سحر آمیزی که جهت رهایی از عوامل شر انجام می‌دادند از یک طرف ریشه در اعتقادات آریایی داشته و از طرف دیگر مربوط به دوره ای است که با اقوام سامی، بابلی و آشوری که به سحر و جادو عقیده داشتند همسایه شدند. در همین زمان است که زرتشت از میان ایرانیان برخاسته و بر علیه این خرافات قیام کرد.

در حقیقت مهم ترین کار زرتشت مبارزه با سحر و جادو و تعدد خدایان بود. پس از ظهور زرتشت، خدایان وابسته به عناصر طبیعت در مرحله‌ی دوم و پایین تر از اهورامزدا، خرد مقدس یا آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین قرار گرفتند. مشابهت خدایان آریایی ایران در دوران باستان با خدایان هندی، بابلی، یونانی و اقوام دیگر نمایانگر شباهت‌های اعتقادی ایشان می‌باشد، که در کتاب اشکانیان (مجموعه‌ی ایران باستان) به آن اشاره شده است. (اردشیر خدادادیان، ۱۳۸۰، ص ۲۵۴)

جدول مقایسه خدایان ایرانی با خدایان تمدن‌های دیگر

میترا	میترا (مزدآوانا)
میشرا	میترا
ع	میترا - ایندرا
شمش	آناسیتا
ایشتار	آناهیتا
ایزیس	بهرام (ورثرغنه)
وتوس	هراکلس
	ایوان
	کرونوس - آپیروس
	هادس
	زروان
	زروان آکارانه
	اهریمن

### آریایی‌ها و ورود آیین مهر در ایران :

به نظر برخی از محققان از جمله استاد احمد حامی، آیین مهر یا کیش بغانی که ریشه‌ی آن نیایش خورشید (آفتاب) است را نخستین آریایی‌هایی که به ایران و هندوستان و آسیای صغیر آمدند به این سرزمین آوردند. کاسی‌ها یا کاسپ‌ها در حدود هزاره‌ی سوم ق. م. قبل از مهاجرت هیتی‌ها و میتانی‌ها به آسیای صغیر به ایران مهاجرت کردند و در دامنه‌ی کوه‌های تالش و دره‌ی سفید رود ماندگار شدند و نام خود را به دریای شمال ایران

زیرا زبان آن‌ها از زبان‌های ایرانی است. آریایی‌های هند و ایرانی پس از اینکه مدت‌ها با هم در آسیای میانه زندگی می‌کردند، مهاجرت کرده و شعبه‌ی هندی به طرف هندوکش و دره‌ی پنجاب رفته و شعبه‌ی ایرانی به طرف جنوب و غرب متمایل و در فلات ایران منتشر شدند. نام ایران از اسم این قوم گرفته می‌شود. (آیریان، آبران، ایران). پیرنیا از قول استرابون می‌نویسد که :

«قسمتی از ماد، پارس، شمال باختر و سعد را نیز آریانا گویند، زیرا این مردمان به یک زبان حرف می‌زدند. در زمان ساسانیان، با توجه به این که تیسفون پایتخت ساسانیان بوده است کلمه‌ی قدیم را قلب ایران شهر می‌نامیدند.» (حسن پیرنیا، ۵۷۳۱، ص ۱۵۸).

### ۲- مذهب آریایی‌ها :

مذهب آریایی‌های ایرانی تا مدت‌ها با مذهب هندی‌ها یکی بود، و به زبان واحدی تکلم می‌کردند، ولی در قرون بعد جدایی مذهبی بین آنها روی داد. طبق کتیبه‌ی بغاز کوی (آسیای صغیر) این تاریخ جدایی تقریباً به ۱۳۵۰ ق. م. برمی‌گردد. نجای میتانی نیز که آریایی بوده‌اند به خدایان هندی قسم یاد کرده‌اند. آنها معتقد به موجودات خیر و خوبی بودند که گنج‌ها و ذخایر طبیعت را به انسان می‌رسانیدند، که در بین این ذخایر روشنایی ( نور و آفتاب) و باران (آب) از همه مهم‌تر بودند. آنها معتقد بودند موجودات تیره و بد با موجودات خوب در جنگ‌اند و شب،

زمستان، خشکسالی و قحطی، امراض، مرگ و سایر بلیات را از وجودهای بد می‌دانستند. به همین علت خوبی‌ها را می‌پرستیدند و حمد و ثنایشان می‌گفتند. آنها را دعوت می‌کردند و برایشان دعا می‌خواندند و در کارها از آنها یاری می‌طلبیدند و تسبیح و تهلیل می‌کردند. همچنین نذر و قربانی کرده و به آنان شراب متبرک هوما اهداء می‌کردند. حال آنکه ارواح بد را دشمن می‌دانستند و برای محفوظ ماندن از شر آنها به اورادی متوسل می‌شدند که بعدها موجب رشد سحر و جادوگری شد.

مهم ترین خدایان آریایی‌های عصر ودایی عبارتند از:

- ۱- ایندرا، رب النوع رعد و جنگ، کشته‌ی اژدها و آورنده‌ی باران
- ۲- وارونا، رب النوع آسمان پرستاره یا رب الارباب
- ۳- آگنی، رب النوع آتش

ایندرا خدای جنگ در رأس دیوان و اهوراها یا ( اسورا) که در رأس آنها وارونا و میترا بود.

در مورد آریایی‌های ایرانی، بسیاری معتقدند که پرستش ورثرغنه (رب النوع رعد) و میترا (رب النوع آفتاب)، در مذهب آنها مشابه آریایی‌های هندی بوده است. در واقع ایندرا خدای هندی تحت الشعاع میترا قرار گرفته و او خدایی است که تمام قبایل آریایی ایرانی او را می‌ستوده‌اند. پس طبیعت

دادند که کاسپی نامیده می‌شد. گروهی از آنها از طریق کاسپین ( قزوین ) به همدان و از آنجا به لرستان رفتند و سپس به کشور بابل راه یافتند. از طریق آنها اسب به بابل و عربستان وارد شد. گروهی از آنها نیز به خراسان رفته و در دره‌ی کاسپ رود ( کشف رود ) سکنی گزیدند. کاسی‌ها در سال ۱۵۲۰ ق.م. بابل را به تصرف خود درآوردند. آنها پیروان آیین مهر بودند. هیتی‌ها و میتانی‌ها نیز مردمی آریایی و نیایشگر آفتاب ( مظهر ایزد مهر ) بودند. در سال ۱۹۰۷ در ناحیه بغاز کوی، پایتخت سرزمین هیتی در شمال غربی آسیای صغیر، لوحه‌هایی از جنس خاک رس به دست آمد که اولین بار نام میترا در آن دیده می‌شود. این لوحه‌های گلی محتوی پیمانی است که در آن از میترا استعانت شده است. در کتاب مقدس ودا متعلق به هندیان باستان، نام مهر به صورت میترا چندین بار تکرار شده که معنای «پیمان» می‌دهد. در کتاب اوستا، نام‌های دینی ایرانیان باستان نام میترا و سرودی به نام «مهریشت»، در ستایش او آمده است. چه در ودا و چه در اوستا، نام میترا با نام وارونا واهورامزدا خدای بزرگ همراه است. در بخش‌های جدیدتر این دو کتاب دینی، نام میترا اهمیت سابق را ندارد و عقایدی که درباره‌اش ابراز می‌شود تغییر می‌یابند. به عقیده‌ی خاورشناسان در دوران باستان، رقابتی میان مهرپرستان و پرستندگان خدای آسمان وجود داشته است. هیچ‌گاه نباید دو گانه پرستی را که در ادیان ایران باستان وجود داشته فراموش کنیم. اهورامزدا، خداوند فرزاندگی و خرد و فرمانروای جهان روشنایی است و ایزدانی گرداگرد او را فرا گرفته‌اند. در برابر او نیرووهایی در حول و حوش خدای تاریکی قرار گرفته‌اند و این دو گروه مدام در جدالند. در این جدال، خیر و راستی نبرد می‌کند. میترا همان خدای روشنی است که در هند به خورشید تشبیه شده است و در حماسه هومر، الهه‌ی هلیوس می‌باشد که در جهان انتقام ظلم ستمکار را از ستم دیده می‌کشد و راستی را در کاینات مستقر می‌کند. ( مارتین ورمازرن، ۱۳۷۲، صص ۱۷-۱۵).

### آیین مهر :

گفته شد که آریایی‌های ایران میترا را خدای روشنی، خدای عهد و پیمان، خدای حامی جنگ‌آوران، و مظهر پاسداری و ایمان می‌دانستند و عدل و داد و راستی را از صفات خاصه‌ی او برمی‌شمردند. شاید به همین دلیل رومیان و یونانیان نیز او را خدای آفتاب می‌دانستند. در هند باستان نیز که نامش به صورت میتره به معنی دوستی یا پیمان می‌آید اغلب با خدای دیگری به نام ورونه «سخن راست» به صورت ترکیب «میتره - ورنه» به یاری خوانده می‌شده است. در ایران نیایش مخصوص مهر، مهریشت می‌باشد که اغلب آن رامتعلق به حدود ۴۵۰ ق.م. می‌دانند. در مهریشت این اندیشه که خدای پیمان، راستی و نظم را حفظ می‌کند، بیان شده است. ایرانیان، ایران را سرزمین پیمان به شمار می‌آوردند و از جنگ‌جویان پیش از رفتن به جنگ با رومیان روایت می‌کنند که: شاه ایران پیش از رفتن به جنگ، همراه با سرداران و کارگزاران خویش همگی به گرداگرد صفوف مردان مسلح می‌گشتند و به خورشید و مهر و آتش مقدس جاویدان نماز می‌گزاردند. پرستش این خدا از طریق ملتزمان بزرگ ایرانی در آسیای صغیر، ارمنستان، کاپادوکیه، کیلیکیه و پونتوس

در غرب گسترش یافته است. میترا یکی از مهم‌ترین خدایان رومی است. مهرپرستی رومی‌ها شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی با مهر پرستی ایرانی دارد. در مهر پرستی رومی تقریباً هیچ متنی وجود ندارد در حالی که صدها نقوش برجسته در دست است، ولی از ایزد مهر در ایران فقط دو نقش برجسته اما متن‌های بسیاری موجود است.

عموماً تفسیر می‌شود که نقوش برجسته رومی تصویری از زندگانی اولیه مهر است. این خدا نه به صورت کودک، بلکه همچون جوانی از صخره متولد می‌شود و نشانه‌هایی را که نشانگر وظیفه اوست با خود دارد: خنجر که با آن گاو نر را خواهد کشت، مشعل آتش، نماد نوری که به جهان می‌آید و گاه کره‌ای که نماد فرمانروایی کیهانی اوست. در هنگام تولد او دو تن مشعل‌دار یعنی کوتس و کوتاپتس ( ایبرمن وبگه ) یا شبانانی همراه رمه‌ی خویش حضور دارند. در بعضی از نقوش برجسته، مهر سوار بر اسبی است که به شکار می‌رود و مار و شیری او را همراهی می‌کنند. در بعضی از قاب بندی‌ها، این خدا با گاو نر به تصویر درآمده است. اغلب کشتن گاو به معنی آفرینش تعبیر شده است. نیروهای خیر که به صورت سنگ تجسم شده‌اند و نیروهای شر که به صورت مار و کژدم می‌باشند بر سرچشمه‌ی حیات یعنی خون گاو می‌جنگند. زندگی به صورت غله‌ای از دم گاو قربانی شده زاده می‌شود و سرانجام مهر پیش از خروج خویش به عرش یا سل در آیین ضیافت همگانی شرکت می‌جوید. (جان هینلز، ۱۳۷۷، صص ۱۲۸-۱۲۰)

تشریف یافتگان به کیش مهر به هفت مرتبه تقسیم می‌شدند، که از پایین‌ترین مرتبه آغاز و در بالاترین مرتبه پایان می‌یافت. این مراتب به ترتیب عبارت بودند از کلاغ، همسر، سرباز، شیر، پارسی، پیک خورشید و پیر.

مرتبه‌ی اول کلاغ یا کورا (Corax) در این مرحله، اعضا در مراسم ماسک کلاغ بر چهره داشتند و در واقع خدمتگزاران مهرابه بودند. نماد این مرحله شکل کلاغ و آبخوری دسته دار و عصایی شامل دو مارپیچ بود. کلاغ نماد پیام آور بین سل و میترا است. (جان هینلز، ۱۳۷۷، صص ۴۳۱)

مرتبه‌ی دوم نامزد یا نیمفوس (Nymphus) که مهردینان این مرتبه به مقام نامزد یا عروس به ازدواج قراردادی کیش مهر در می‌آمدند. آنها نیم تنه‌ی زرد کوتاهی که نوارهای سرخی داشت بر تن کرده و گمان می‌کردند که صاحب این مرتبه از حمایت ونوس (زهره یا ناهید) برخوردار است. وظیفه‌ی آنها مرتبه‌ی نوازندگی و سرود و سماع بود. نامزدان میترا مجبور به تزکیه‌ی روح و جسم بودند و غسل‌های متعددی با نیایش‌های خاص از جمله مراسم عقد با میترا را به انجام می‌رساندند. نماد این مرحله سربندنی‌متاج عروس و پیه سوز و مشعل بود. این مرحله نماد آب بود.

مرتبه‌ی سوم سرباز یا مایلز (Miles) بود. برای تشریف به این مرحله شخص می‌بایست زانو زده و تاجی که برنوک شمشیر نهاده شده بود، به او تقدیم می‌داشتند اما او آن را نمی‌پذیرفت. (مارتین ورمازرن، ۱۳۷۲، صص ۱۷۳-۱۷۴)

این اندیشه که مهر و پرستندگان او جنگجویان راه راستی بودند،

عقیده ای است که در میان ایرانیان و هندیان روایح است. ومهردین پس از این مرحله سرباز میترا شده و وظیفه‌ی مبارزه با نیروهای شر و اهریمنی را بر عهده داشت. نماد این مرتبه کلاه‌خود سربازی، کوله پشتی و نیزه بود. مقام سرباز نماد عنصر خاک است. (مارتین ورمازرن، ۱۳۷۲، صص ۱۷۷-۱۷۴)

### ۳- نیایشگاه‌های مهری (مهرابه):

نیایشگاه مهردینان مهرابه نام داشت. این کلمه از ترکیب مهر و آبه می‌باشد. آبه، آوه یا آوج به غار و جای گود می‌گویند. واژه‌ی آبه از زبان‌های مشتق از لاتین به معنای دیر و معبد است. با توجه به اینکه مهریان معتقدند بودند که مهر در غار و یا از سنگ متولد شده است و همچنین کشته شدن گاو به دست او در غاری روی داده بود، غارها اولین مکان‌هایی بودند که مهریان جهت نیایش مهر از آنها استفاده می‌کردند و در صورت عدم وجود غار با ساختن غارهای مصنوعی در زیر زمین و ساختن

مرتبه‌ی شیر؛ مرتبه‌ی چهارم یعنی شیر نخستین مرتبه از مراتب اعلی به شمار می‌رفت دارندگان این مرتبه، نیم تنه‌های قرمز با نوارهای ارغوانی بر تن دارند. نماد شیر رعد و برق و بیلچه‌ی آتش است. پس از ورود به مرتبه‌ی آتش، شیر مراقبت از شعله‌ی مقدس آتشدان را بر عهده دارد. جزء سوم از نمادهای شیر جعجغه‌ی فلزی مصری است. (جان هینلز، ۱۳۷۷، ص ۵۳۱) در این مرتبه دست و زبان مهر دین با غسل تطهیر می‌شد.

مرتبه پارسی: دارندگان مقام پارسی لباس بلند لاجوردی یا خاکستری رنگ برزگران پارسی را بر تن می‌کردند. در این مرحله نیز داوطلب با غسل تطهیر می‌شد. دارندگان این مقام دسته‌ای از گیاهان درو شده را در دست می‌گرفت. در این مرحله ماه نگهبان میوه‌ها و پارسی نماد آن می‌شد. نماد این مرحله، هلال ماه و ستاره، داس دروگری، داس سرشاخه‌زنی میوه‌ها و شمشیر پارسی بود. (جان هینلز، ۱۳۷۷، ص ۳۶)

بیک خورشید که وظیفه‌ی صاحب این مرتبه نمایندگی خدای هلیوس - سل است ومهری دینان این مرحله در زمین تحت حمایت او قرار دارند. رابطه‌ی میترا و سل در این مرحله نشانگر اوج ارتباط و پیوند روحی و روانی وعاطفی عمیق بین مهرپرستان به عنوان یاران و برادران یکدیگر است. علائم مشخصه‌ی این مرحله تازیانه وهالی (تاج) مشعل است.

مرتبه‌ی پدر (پیر) در این مرحله سالک، نماینده‌ی زمینی و جانشین مهر در روی زمین می‌باشد. صاحب این مرتبه در مراسم همگانی در جایگاه خدا قرار می‌گرفت و مسئولیت نظم و تعلیم مؤمنان بر عهده‌ی او بود. جامه‌ی صاحب منصب در این مرحله نظیر جامه‌ی میتراست. او صاحب منصب درجه اول و مجسم کننده‌ی عالی‌ترین درجه‌ی تقوی و پرهیزگاری است. علائم باز شناساننده پیر عبارتند از: داس، کلاه فریجی میترا، عصا یک حلقه (کشکولی) که نشانه‌ی فرزندی او هستند (مارتین ورمازرن، ۱۳۷۲، صص ۱۸۵-۱۸۴) و (جان هینلز، ۱۷۷۳، ص ۱۳۷) این آیین از مغرب تا شمال انگلستان و از مشرق تا هند گسترش داشته و هنوز مورد احترام زرتشتیان می‌باشد. در دوره‌ی زرتشت به جای ایبرمن و بگه دو فرشته‌ی رشنو و سروش در کنار او هستند و مجازات گناهکاران را بر عهده دارند. مهر در داوری نهایی در پای پل چینوت همراه با ایزد سروش و ایزد رشن در شنو، بر قضاوت‌ها نظارت می‌کند. در دین زرتشتی کنونی، مهر نقش مهمی در مناسک دینی دارد. روحانیان در «درمهر» طی مراسمی به طور رسمی به حلقه‌ی روحانیون تشرف می‌یابند و به آنان گرز مهر به عنوان نمادی از وظایف آنان در نبرد با نیروهای شر اعطاء می‌شود. مقدس‌ترین مناسک تحت حمایت او اجرا می‌شود. جشن بزرگ مهرگان به افتخار مهر، داور سرزمین ایران به مدت پنج روز باشادمانی و با دلیستگی باطنی برگزار می‌شود. آنها در طی نیایش‌های خود نثارهایی به این ایزد بزرگ که نگاهبان راستی ونظم و دشمن دروغ و نابود کننده‌ی

## آریایی‌های ایران میترا را خدای روشنایی، خدای عهد و پیمان، خدای حامی جنگ‌آوران، و مظهر پاسداری و ایمان می‌دانستند و عدل و داد و راستی را از صفات خاصه‌ی او بر می‌شمردند

دهانه‌ی آن شبیه به در غار آنها را به صورت غار طبیعی در می‌آوردند. آب در انجام مراسم مذهبی مهرپرستان نقش مهمی داشت، بنابراین مهرابه باید در مکانی ساخته می‌شد که دسترسی به آب جاری امکان پذیر باشد. طرح مهرابه اغلب مستطیل شکل و سقفی با طاق گهواره‌ای داشت. در مهرابه‌های بزرگ‌تر پلان به صورت سه دالان موازی به هم چسبیده بود که دالان میانی گشادتر و ودالان‌های پهلوئی تنگ تر و با سقف کوتاه‌تر ساخته می‌شد. درمهرابه‌های ستون‌دار، سقف بر روی دو ردیف ستونی قرار داشت که دالان‌ها را از هم جدا می‌کردند. زیر سقف غارها، به رنگ آسمان لاجوردی رنگ شده و با ستاره‌هایی تزیین می‌گردید. این سبک تزیین در کلیساهای اولیه نیز تقلید شد که از جمله سقف نمازخانه‌ی سیستمین

شده است. درازای مهرباه ۲۶ متر و پهنای آن ۱۲ متر است و مهرباه‌ی دورا اروپوس در سوریه کنار رودخانه فرات از دیگر موارد است. ( احمد حامی، ۱۳۵۵، صص ۱۴۰ - ۴۶۱)

### نیایشگاه‌های صخره‌ای ایران :

با توجه به اینکه در مورد این نیایشگاه‌ها سند محکمی در مورد مهرباه بودن آنها وهم‌چنین دوره تاریخی شان وجود ندارد، ولی از آنها به عنوان نیایشگاه‌های غاری یاد شده و در این بخش معرفی می‌شوند. برخی از آنها در قرن اولیه مسیحی به کلیسا و برخی در دوره‌ی اسلامی به مسجد تبدیل شده اند. از جمله مسجد سنگی داراب که در مورد مهرباه بودن، آتشکده و حتی کلیسا بودن آنها باستان‌شناسان نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند.

نیایشگاه‌های غاری در ایران عبارتند از :

- نیایشگاه قدمگاه چهل کیلومتری خاور آذر شهر در آذربایجان شرقی
- معبد کلات خورموج
- نیایشگاه ملا معصومه و رجووی مراغه، شش کیلومتری جنوب شرقی مراغه در آذربایجان شرقی
- نیایشگاه اباذر، نیراردبیل، استان اردبیل
- مسجد سنگی داراب، مسجد صخره‌ای شهر ایچ، نیایشگاه صخره‌ای کوگان لرستان، نیایشگاه، قلعه کوهزاد،
- غار نیاسر کاشان، استان فارس، غار باستانی کرفتو
- کلیسای تادانوس مقدس، استان آذربایجان غربی
- کلیسای سنت استپانوس، ۲۱ کیلومتری غرب جلقا
- کلیسای سورپ سرکیس خوی، کلیسای موجود مبارک و کلیسای دریک نیز روی مهرباه ساخته شده اند. معبد سنگی داش کسن در صورت مسقف بودن می‌تواند قبل از معبد ایلیخانی به عنوان مهرباه یا نیایشگاه غاری در نظر گرفته شود.

در فرهنگ ملل قدیم، کوه عنصری مقدس و مورد احترام بود و نقش مهمی در مراسم و آداب مذهبی داشته است. بیشتر اقوام معتقد بودند که جایگاه خدایان بر فراز کوه‌های خوش منظر و بلند می‌باشد و ستایش خدایان را در بلندترین محل کوه‌ها انجام می‌دادند. بابلیان جایگاه اصلی مردوک را بالای کوه و یونانیان باستان نیز کوه المپ را محل اجتماع خدایان می‌دانستند، حضرت موسی در کوه طور یا خدای خود راز و نیاز می‌کرد. مقبره‌ی فراعنه به صورت کوه ( اهرام ) ساخته می‌شد

در اساطیر ایرانیان نیز کیومرث اولین بشری است که اهورامزدا بیافرید، مدت سی سال تنها در کوهساران زندگی می‌کرد. (ابراهیم پورداوود، ۱۳۵۶، صص ۴۴) کوه‌های بسیاری در ایران جنبه‌ی تقدس داشته و در متون نیز منعکس شده است. کشتی نوح در کوه‌های آرات متوقف شد. کوه بیستون از دوره‌ی مادها و هخامنشیان و سپس در دوره‌ی اشکانی محل نیایش و مورد تقدیس بوده است. کوه رحمت

در واتیکان ابتدا به همین صورت تزیین شده بود که بعدها میکل آنژ آن را تغییر داد. در ورودی مهرباه‌ها رو به شرق و کوتاه ساخته می‌شدند. مهم‌ترین بخش بنا یعنی مهرباه در انتهای مهرباه ساخته می‌شد و آن رواق کوچکی بود که اغلب از سطح زمین بلندتر ساخته می‌شد و شکل دهانه‌ی غار را مجسم می‌کرد. در مهرباه، مجسمه‌ی مهر یا شمایل مهر قرار داشت. در مهرباه‌ی دورا اروپوس که در سال ۱۹۳۴ کشف شد، مجسمه‌ی مهر هفت پله بالاتر از کف مهرباه قرار داشت بیشتر در کنار مهر، مهربانانش قرار داشتند. از مهرباه‌هایی که در اروپا پیدا شده و از بقیه معروف‌تر می‌باشند می‌توان به:

مهرباه‌های شهر Limes که بیش از چهل عدد می‌باشند که حدود ده تای آنها نزدیک فرانکفورت قرار دارند و مهرباه‌ی کلن در کناره کلیسای جامع که در زیر موزه‌ی رومی - ژرمنی Germanish\_Roemisch

بیشتر اقوام معتقد

بودند که جایگاه

خدایان بر فراز

کوه‌های خوش منظر

و بلند می‌باشند و

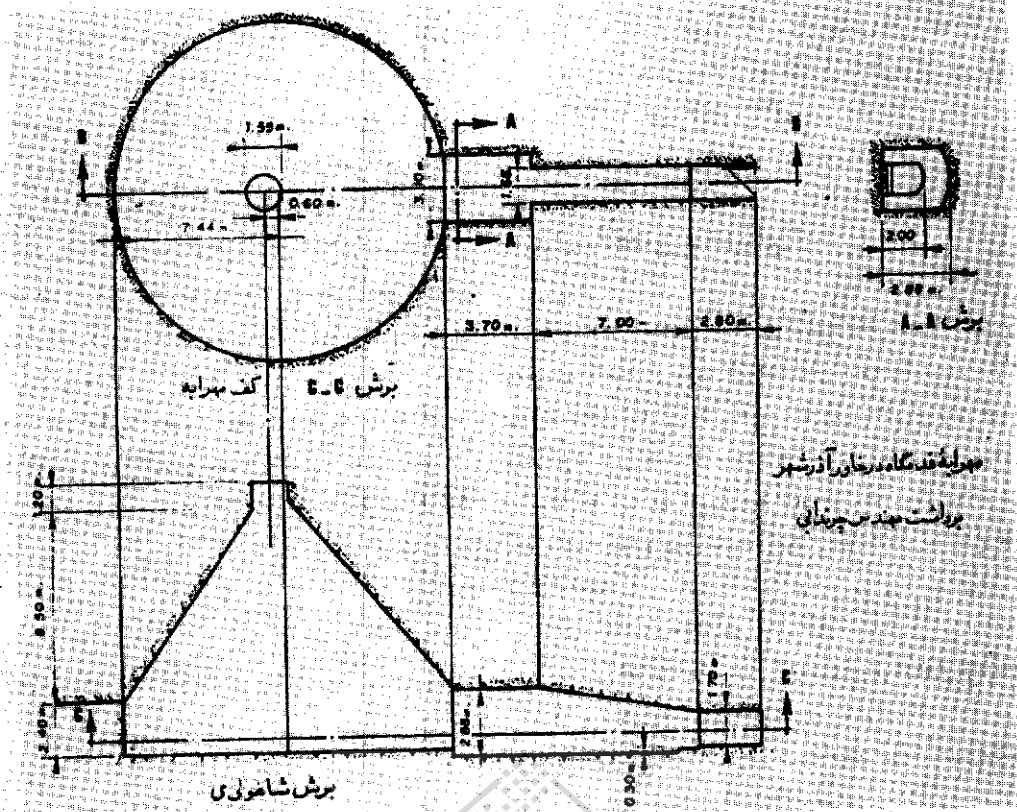
ستایش خدایان

را در بلندترین

محل کوه‌ها انجام

می‌دادند

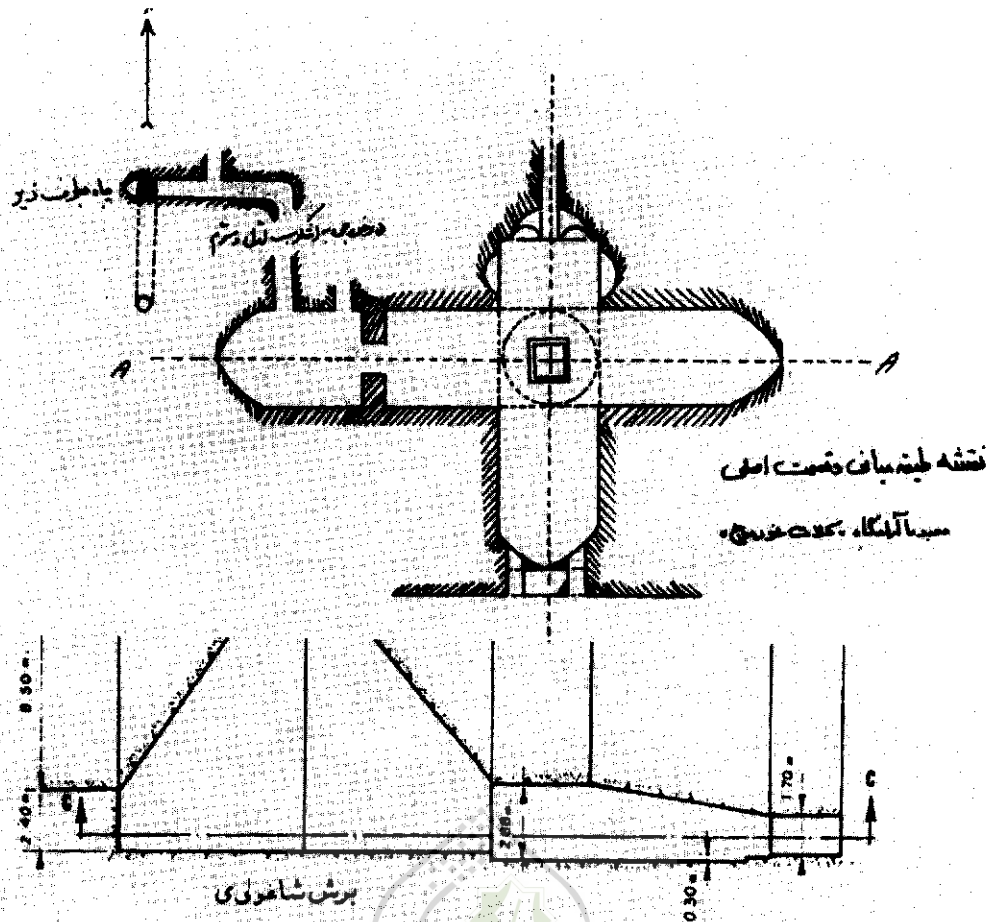
ساخته شده بود، اشاره کرد. هم‌چنین در دویچ آلتن بورگ Deutsch Altenbury در شرق وین ۳ مهرباه و در شهرک اوستیا نزدیک رم نیز ۱۶ مهرباه یافت شده است. مهرباه‌ی وال بروک در لندن، مهرباه‌ی سانتا پریسکا در شهر رم که زیر کلیسای سانتا پریسکا قرار دارد، مهرباه‌ی کاپوا Capua در شمال ناپل، مهرباه‌ی خوشبختی Felicissimo در شهرک اوستیا نزدیک رم که در این مهرباه هفت نماد مراحل مهری را با موزاییک روی کف مهرباه ساخته‌اند. در شهر اوستیا بیش از ۱۶ مهرباه پیدا شده است. مهرباه مریدا در باختر اسپانیا، مهرباه‌ی کونجیکا Konjica در یوگسلاوی، که مراسم عشا ربانی (برخوان نشستن) مهر تصویر شده است، مهرباه‌ی سر میزه گتواز Sarmizegetusa در کشور رومانی از بزرگ‌ترین مهرباه‌هایی است که تاکنون در اروپا کشف



### نیایشگاه قدمگاه آذرشهر:

در چهل کیلومتری آذر شهر به طرف مراغه، مسیر فرعی به طرف ده دین آباد می‌رود. بعد از ده دین آباد و در ارتفاعات شمال ده و با فاصله کمی از گورستان قدیمی این نیایشگاه درون صخره ایجاد شده است. منظر خارجی معبد قدمگاه بسیار ساده و در نظر اول شاید حتی توجه افراد رهگذر را به خود جلب نکند. این منظر عبارت است از یک ورودی کوچک در زیر یک پناهگاه صخره‌ای. صخره مزبور به رنگ خاکستری مایل به سفید و از صخره‌های رسوبی است. در پای صخره رودی جریان دارد و آبشاری کوچک از صخره آن سوی رود به داخل آن می‌ریزد. برای ورود به معبد باید از یک در چوبی ساده‌ی کم ارتفاع گذشت و به اطاقی کوچک با اندازه‌های  $1/70 \times 2/50$  و بلندی  $1/75$  وارد شد. این اطاق در واقع کفش کن معبد می‌باشد که از آنجا با گذشتن از ورودی اصلی به راهرو معبد وارد می‌شویم. ورودی اصلی معبد که در دل صخره کنده شده عبارت است از یک مستطیل کوچک که با یک قاب از سنگ مرمر مایل به سبز زینت یافته است. قاب سنگی مزبور مرکب است از دو پایه و یک قوس سنگی که بر روی آن قرار دارد. قطعه سنگی که بر روی دو پایه قرار می‌گیرد. چنان تراش داده شده که بالای ورودی را به صورت یک قوس تیزه دار با دو لچکی در دو جانب آن در آورده

از دوره‌ی ایلامی هخامنشیان و در ادامه‌ی سلسله‌ی ساسانیان محل نیایش بوده است. کوه انگون (کورانگون) در نور آباد ممسنی در دوره ایلامی‌ها، کوه الوند در همدان، نیز از مکان‌های مقدس بودند. مهر یا میترا از قله کوه هرا (شاخه‌ای از البرز) بر سراسر مسکن آریایی‌ها نظاره می‌کند. کوه البرز و به‌ویژه دماوند نیز در اساطیر ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. آمده است که «هورامزدا» در سومین مرحله آفرینش، زمین را آفرید، اهریمن آن را شکافت و به درون آن رفت، در اثر لرزش زمین کوه‌ها از زمین روئیده شد. کوه اصلی البرز و در وسط زمین کوه تیره (Tera) که قله‌ی البرز است قرار دارد که از یک سر آن پل چینوت یعنی پل صراط کشیده شده است. کوه خواجه را در سیستان، کوه مقدس و مردم کوه رستم می‌خوانند. در بالای کوه ریونت (Raevant) در ریوند خراسان آتشکده‌ی آذر برزین مهر یکی از سه آتشکده‌ی بزرگ ایرانیان قرار دارد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد آیین مهر پرستی نیز ارتباطی نزدیک با کوه داشته است. در بندهای ۱۳ و ۱۴ مهریشت آمده است که میترا از قله‌ی کوه هرا، بر سراسر مسکن آریایی‌ها نظاره می‌کند. در ایران نیز نیایشگاه‌های مهر در دل کوه‌ها و در زیر زمین کنده می‌شد.



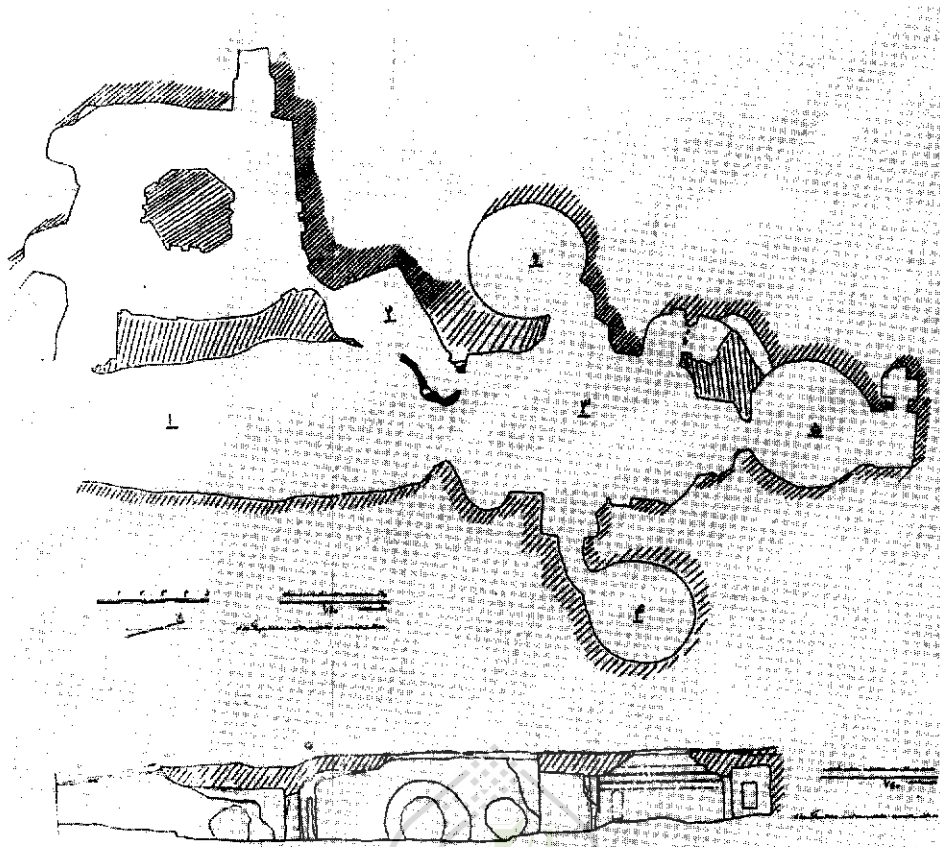
رفتگی بشکل مقرنس کنده شده است. به خوبی می‌نماید که ایجاد این محراب مربوط به دوران‌های بسیار جدید است و با زمان ایجاد بنا نه از نظر تناسب و نه از نظر نحوه‌ی ایجاد ارتباطی ندارد. در نوک مخروط نورگیری به قطر ۱۰۵ سانتی‌متر ایجاد کرده‌اند تا روشنایی داخل بنا را از آنجا تامین کرده باشند. دهانه‌ی نورگیر را با سه ردیف سنگ تراش مکعب مستطیل همچون دهانه‌ی چاه طوقه بسته‌اند. در مورد کاربرد و ارتباط این معبد با آیین‌های شناخته شده با توجه به جنبه‌های مختلف می‌توان گفت که: معروف شدن این بنا به مسجد سنگی، چنان که در محل آن‌را به این نام می‌خوانند، شاید از عهد صفویه عقب تر نرود. (پرویز ورجاوند، ۱۳۵۵، صص ۴-۱۷)

### معبد کلات خورموج

این بنا در دامنه‌ی کوه مُند واقع در سی کیلومتری جنوب «خورموج» در منطقه‌ی دشتی و تنگستان قرار دارد. بنای مزبور در ارتفاع شصت متری ایجاد شده و نمای آن عبارت است از یک پیشخان ورودی با سقف قوسی دور تمام که دو ورودی در داخل آن کنده شده است. سمت راست و چپ این پیشخان شکاف‌هایی مستطیل شکل به صورت نورگیر در صخره ایجاد شده که نور واحدهای مختلف بنای صخره‌ای را تامین می‌ساخته

است. بر روی هر یک از لچکی‌ها نقش یک گل رز با دوازده گلبرگ به صورت برجسته کنده شده است. بالای تیزه‌ی قوس نیز نقش جالبی به صورت دو چند ضلعی متقاطع شبیه عدد هشت لاتین دیده می‌شود. ارتفاع از کف تا زیر تیزه‌ی قوس ۱/۱۵ متر است و از این‌رو برای ورود به معبد باید به طور کامل خم شد و قدم به درون گذارد. حجاری این ورودی تزئینی چنین می‌نماید که از قرن هفتم نباید کهن تر باشد. پس از گذشتن از ورودی به راهروی اصلی معبد وارد می‌شویم. طول راهرو ۸۰/۷ متر و عرض آن ۱/۶۰ متر است. سقف راهرو به صورت گهواره‌ای تراش داده شده است. راهرو و معبد به اطاقی ختم می‌شود که ۴ × ۳/۵ متر طول و عرض آن است. از این اطاق با بالا رفتن از پله‌ای به عرض ۶۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر به سطح محوطه اصلی وارد می‌شویم. فضای محوطه اصلی معبد قدمگاه یکی از جالب‌ترین و پرجاذبه‌ترین فضاهایی است که می‌توان درباره‌ی یک ستایشگاه کهن تصور کرد. این فضا که تمامی در داخل صخره کنده شده عبارت است از مخروطی که قطر دایره‌ی قاعده آن بین ۱۵ تا ۱۵/۷۰ متر در نوسان است. ارتفاع مخروط ۱۲/۳۰ و قطر دهانه نورگیر بالای مخروط ۱۰۵ سانتی‌متر است. دیواره‌ی مخروط به صورت منظم از پایین به بالاتر تراش یافته است. تنها در بدنه سمت راست راهروی ورودی است که با حجاری ساده یک محراب کوچک برخورد می‌کنیم. محراب مزبور عبارت است از یک قاب مستطیل شکل که درون آن یک قوس تیزه دار و سه فرو



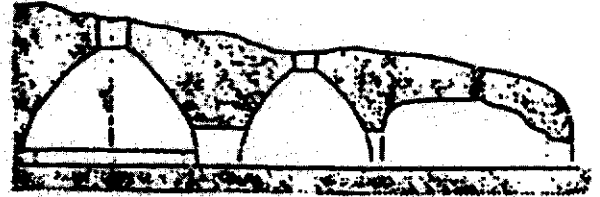


که عبارتند از ۱ - قسمت ورودی ۲ - تالار مستطیل شکل بزرگ ۳ - اتاق مدور سمت راست ۴ - تالار مدور ستایشگاه این معبد از ورودی و تالار مرکزی و اتاق‌های مدور گنبدی که در اطراف تالار پلان چلیپا را ایجاد می‌کنند، تالار مربع شکلی به ابعاد ۱۰×۱۰ متر دارد که در میان آن یک ستون هشت گوش در وسط آن قرار دارد. گنبد محرابه‌ای آن دارای قطار بندی و نقوش هندسی و گره چینی است که مربوط به قرون هفتم و هشتم هـ.ق. می‌باشد. سقف اتاق شماره ۳ واقع در سمت راست تالار مستطیل شکل و تالار پشت آن ( واحد شماره ۴ ) هر دو در سنگ ایجاد شده ولی وسط سقف اتاق شماره ۴ که محل اصلی امامزاده می‌باشد به علت نازک بودن پوسته‌ی سطح زمین فرو ریخته و به جای آن یک گنبد کم‌خیز عرقچینی با آجر بر پا کرده‌اند. وضع سقف آن به خوبی نشان می‌دهد که پیش از ویرانی قسمت وسط، گنبدی در مایه‌ی مخروط کم ارتفاع داشته است. اتاق‌های مدور دو گانه ورجووی با اندازه‌ی کوچکتر به خوبی با تالار مدور ستایشگاه قدمگاه قابل مقایسه هستند. در اینجا باید یادآور شویم که ستایشگاه ورجووی را می‌توان یکی و به اعتباری وسیع‌ترین مجموعه بنای صخره‌ای شناخته شده در ایران کنونی دانست. درباره‌ی ستایشگاه ورجووی و مورد استفاده آن با ذکر دلایل مختلف نظر نگارنده چنین است که می‌توان آن را یک معبد مهری دانست. (پرویزورجاوند - ۱۳۵۵، ص ۱۰)

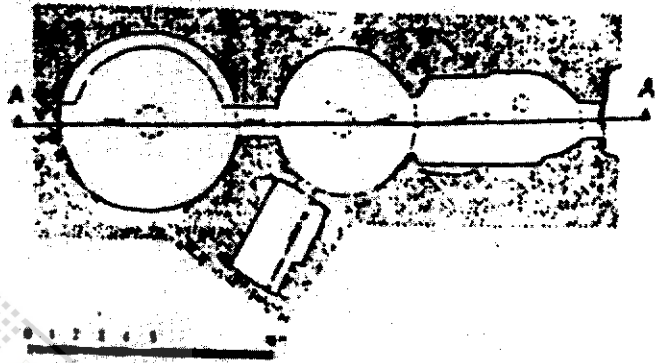
است. در وسط اتاق چهارگوش و زیر سقف مخروطی آن سکوی سنگی وجود دارد که احتمالاً محل قراردادن شی مقدسی بوده که مراسم در پیرامون آن صورت می‌گرفته است. لازم است یادآور شویم که وضع این سقف مخروطی و اثر تیشه و قلمی که بر روی جداره‌ی آن دیده می‌شود به خوبی نشان می‌دهد که چنین اثری طبیعی نبوده و بر اثر تلاش حجارانی معتقد و سخت کوش به وجود آمده است. با توجه به آنچه درباره‌ی این اثر گفته شد و با ملاحظه‌ی نقشه‌های مربوط به آن به نظر می‌رسد سقف مزبور با آنچه در معبد قدمگاه وجود دارد شباهت کامل دارد با این تفاوت که طرح آن به جای دایره، چهارگوش و ارتفاع آن کمتر و فاقد نورگیر واقع در نوک مخروط قدمگاه می‌باشد. اما درباره‌ی کاربرد این بنا بر روی سه نظر می‌توان تکیه کرد: الف - معبد، ب - آرامگاه، پ - معبد آرامگاه. (پرویزورجاوند، ۱۳۵۵، صص ۵ - ۶)

### نیایشگاه صخره‌ای ورجووی

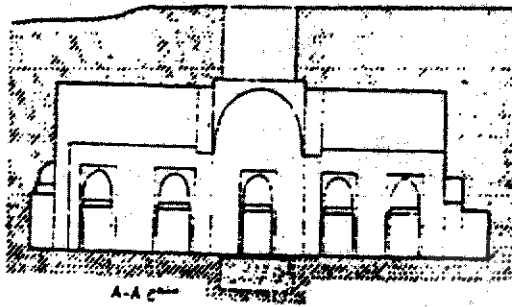
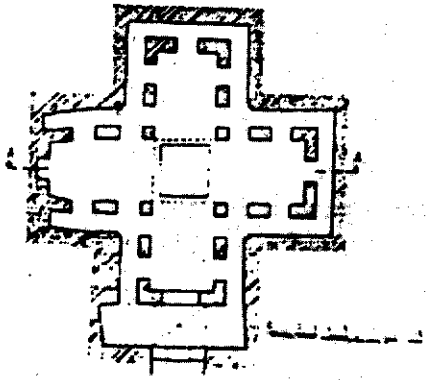
این ستایشگاه در کنار ده سرسبز و بزرگ ورجووی و در محوطه‌ی گورستان کهن آن که حدود شش کیلومتر با مراغه فاصله دارد به گونه‌ی هنرمندانه در زیر زمین کنده شده است و به نام امامزاده معصوم معروف است. ستایشگاه ورجووی از چهار واحد مختلف تشکیل شده



منح A-A



پلان و مقطع مسجد اباذر - مسجد احمدی



منح A-A

پلان و مقطع مسجد سنگی داراب - مسجد احمدی

### معبد اباذر در نیر

معبد اباذر؛ نزدیک نیر اردبیل قرار دارد، و از جهاتی با معابد قبلی شبیه است. معبد اباذر با پلانی منظم، دارای عناصری است که بی‌ارتباط با مذهب مهر پرستی نیست؛ از جمله، دارای مذبح، سکو طاقچه‌های متعدد و سه نور گیر است. قراین و شواهد نشان می‌دهند که این معبد، متعلق به دوره‌ی اشکانی است. اگرچه این نیایشگاه در دوره‌ی اسلامی از سوی دراویش و عرفای صوفیه استفاده شده، اما اصل معبد به صورت دست نخورده باقی مانده است. طول معبد ۲۲ متر است، و دو فضای مدور گنبدی شکل دارد. این معبد در بین مجموعه‌ای قرار گرفته است، که همگی در دل صخره کنده شده‌اند. تعداد ۱۳ عدد کنگره‌ی صخره‌ای در آن وجود دارد، که تا ۲۰۰ سال پیش از آنها استفاده می‌شد. یک قبرستان اسلامی از قرن ششم هجری، نزدیک آن وجود دارد که تا سال‌های اخیر زیارتگاه مردم بود. (سعید احمدی، ۱۳۷۶، ص ۴۲)

### مسجد سنگی داراب

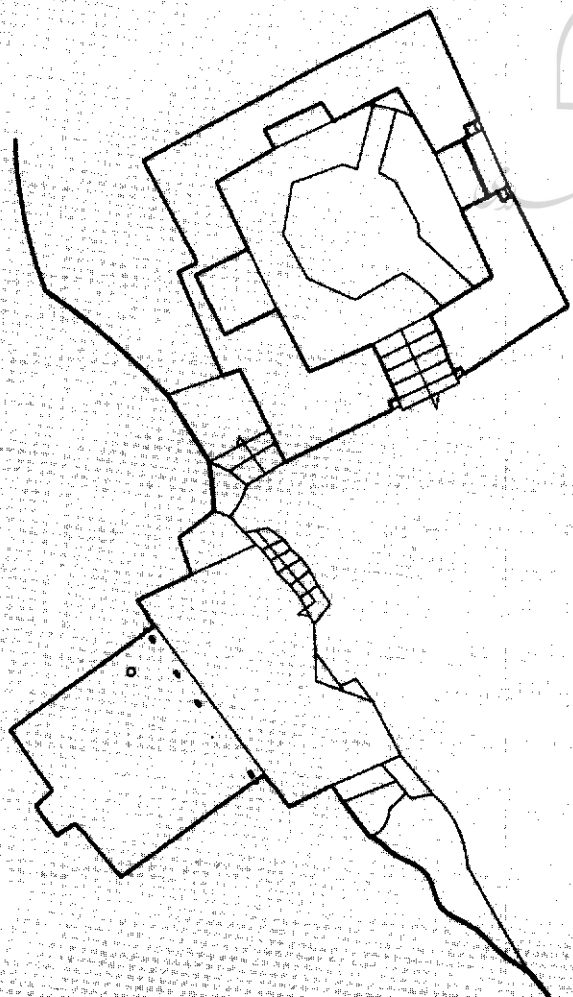
در فاصله شش کیلومتری داراب، مسجدی در دل صخره تراشیده و کنده شده است. این مسجد با پلانی «چهارسو» (چلیبا)، بنایی اسلامی -

است، که در کوه «پهنه» یا «پهننا» قرار دارد. این بنا را سیاحان مختلف دیده و تفسیرهای مختلفی درباره آن ارائه داده‌اند، از جمله، اورول اشتین و گدار این اثر را یک کلیسا دانسته‌اند که به کلی مردود است؛ زیرا: مسجد سنگی (صخره‌ای) داراب، یک نمونه‌ی منحصر به فرد در ایران است. طولانی‌ترین قسمت آن، طول شرقی غربی است که از در ورودی شروع می‌شود. ورودی‌های آن در سمت جنوب شرقی قرار دارد و فاصله‌ی آن از ابتدای درگاه ورودی تا انتهای شمال غربی، تقریباً ۲۰ متر است. طول دو سوی دیگر مسجد که یکی در راستای جنوب غربی و دیگری در امتداد شمال شرقی است ۱۸/۰۷ متر است. عرض چهارسوی آن به طور متوسط و با احتساب عرضی راهروها و جزوهای دور تا دور مسجد، ۷/۶۰ متر است. این مسجد در مرکز خود، حوضی با پلان مربعی دارد، که به موازات نورگیر سقف کنده شده و درست هم اندازه‌ی آن است. این حوض پر شده و عمق آن معلوم نیست. هر ضلع حوض ۳/۱۰ متر است. اضلاع نورگیری - که روشنایی فضای داخل را کاملاً تامین می‌کند - به شکل واندازه‌ی حوض می‌باشند. به نظر می‌رسد که کار کنده شدن این مسجد، از بالای نورگیر شروع شده و به صورت یک چاه با پلان مربع به پایین رفته است. سپس، از چهار سمت دیواره‌های چاه، ایوان‌های مسجد کنده شده‌اند، که از نظر زمانی، می‌تواند تاریخ اتمام آن را به یک چهارم کاهش دهد. در قسمت ورودی، یک هشتی به ابعاد ۲/۷۸ و ۹/۶۰ متر وجود دارد که البته با انحرافی که در این قسمت بوده، ابعاد آن اندکی متغیر است. دور تا دور مسجد را

متر ارتفاع و ۲/۱۵ متر عرض است. نمای بیرونی مسجد سنگی، سردرهای مساجد اسلامی را تداعی می‌کند، که به صورت ستون‌ها در دو طرف ورودی تراشیده شده و متصل به دیوار مسطح بیرونی است. مسجد با قوس جناغی اسلامی، و قوس‌های متداول دوره‌ی ساسانی و طاق‌های آهنگ داخل مسجد سنگی تفاوت آشکاری دارد. نمای بیرونی و ظاهری مسجد سنگی، بیشتر اسلامی‌نشان می‌دهد تا ساسانی. اما، از وجود عناصر ساسانی نیز در اینجا نباید غافل بود. داشتن محراب مقرنس‌کاری با خطوط کوفی، به‌ویژه قطع شدن راهروها در دو طرف محراب و قرار گرفتن آن در سمت قبله و کتیبه‌های کوفی، دلایل اسلامی‌بودن بناست. لیونل بیر درباره‌ی همسویی محراب و مسجد سنگی، می‌نویسد که این جنبه‌ها می‌تواند با اساس یحیی که ایجاد مسجد سنگی را در قرن ۱۳ م. یعنی همزمان با کتیبه‌های کنده شده به شمار آورد، در یک کفه‌ی ترازو گذاشته شود. کنار مسجد سنگی، یک اتاق با سقف طاقی سنگی وجود دارد، که با سه پلکان وارد کف آن می‌شود. این اتاق ۸ متر طول، ۳/۱۵ متر عرض و ۱/۹۵ متر ارتفاع دارد. امکان کاربرد مسجد صخره‌ای به عنوان خانقاه در طول دوران اسلامی از سوی درویش صوفیه، از مواردی است که نباید از آن صرف‌نظر کرد. (سعید احمدی، ۱۳۷۶، صص ۳۸-۳۶)

رواقی به عرض ۱ تا ۱۰/۱ متر همراه با جزرهایی به طور متوسط به قطر ۸۵ سانتی‌متر احاطه کرده است، که در سمت محراب مسدود می‌شوند. سقف‌ها و جزرها، به‌جز در راهروهای گردشی اطراف، همگی قوس بیضی شکل نزدیک به جناغی دارند و در واقع همانند طاق آهنگ هستند. اغلب منابع ومتون ایرانی مسجد را یک بنای ساسانی می‌دانند که به مسجد تبدیل شده است. به نظر می‌رسد که محراب مسجد سنگی داراب، بعد به صورت جداگانه حجاری و در جای فعلی نصب شده است. این مسجد در دو قسمت، کتیبه دارد؛ یکی، کتیبه‌ی محراب و دیگری، کتیبه‌ی ای است که در قسمت بالای ورودی داخلی جلوخان و ابتدای ایوان شرقی در بالای درگاه و جزرهایی طرفین آن قرار دارند، متن یکی از این کتیبه‌ها فرسوده و به مرور زمان دچار صدمه‌ی زیادی شده است، و دیگری دارای متن کوتاهی است که در پایین آن نوشته است. کتیبه بالا ناخواناست، و کتیبه پایین تاریخ ۶۵۲ را نشان می‌دهد. فرصت شیرازی، طرحی از مسجد سنگی داراب را رسم کرده است، که شمایل کلی درون مسجد سنگی را در بر دارد، اما کتیبه‌ی بالای ورودی هشتی که وی خوانده و نسخه‌برداری کرده است، صحیح و واقعی به نظر نمی‌رسد. در مسجد صخره‌ای، قوس‌های جناغی نیز در کنار قوس‌های «بیز» بیضی شکل مشاهده می‌شوند. نکته‌ی جالب توجه این است که قسمت میانی قوس‌های راهروی پیرامون ایوان‌ها که به شکل نیم گنبدند، همانند درگاه باز است و می‌توان از هر کدام به راهروها یا ایوان تردد کرد. همه‌ی این درگاه‌ها قسمت بالایشان، طاقنمایی به شکل نیم گنبد دارند، که قوس‌های آنهايي که به حوض نزدیک‌تر است بیضی شکل و آنهايي هم که در انتها اليه ایوان‌های نزدیک هستند، دارای قوس جناغی (چهارپیرگاری) می‌باشند. شواهد نشان می‌دهد که راهروهای اطراف بنا، در دوره بعدی ایجاد شده یا لاقل وسعت یافته‌اند، کاملاً منطقی است که قوس نیز چهارپیرگاری طاقنماهای نزدیک به آخرین صفحات دیواره صخره‌ای را جزء کارهای بعدی بدانیم؛ همچنان که کتیبه‌ی محراب نیز چنان نشان می‌دهد که بعد تراشیده شده و شکل گرفته و سپس به طور استنادانه در مکان فعلی خود جاسازی شده است. جلوه‌های ساسانی و اسلامی مسجد سنگی ما را بر آن می‌دارد که آن را یک بنای اسلامی - ساسانی بدانیم. اصل ساسانی این اثر، کوچک‌تر و مقداری هم متفاوت با پلان فعلی بوده است. تغییرات و گسترش آن از جمله گسترش راهروها و طرفین و الحاقات بعدی، امروزه کاملاً مشهود و محرز است. کتیبه‌ی ای به خط کوفی در جز ابتدای ایوان جنوب شرقی به خط درشت کنده شده است، که در بردارنده‌ی تاریخ ۶۵۲ هـ.ق. است، و به این صورت خوانده می‌شود: «فی رمضان سنه اثنی و خمسين و ستمانه».

مسجد سنگی، تزئیناتی غیر از طاقچه‌های باز ندارد. تنها عنصر تزئینی که به صورت مهره‌های روی هم قرار گرفته به نظر می‌رسد، در یکی از خاستگاه‌های گوشواره دیده می‌شود. در زیر سقف طاق آهنگ جبهه‌ی شمال غربی، یک شکل شبیه یک صفحه باریک طولانی باقی مانده است، که بر صفحه کوتاه عرضی، عمودی می‌باشد و به شکل خط کش «I» است. به نظر می‌رسد این شکل بازمانده‌ی اثری از دیواره تراشی در دوران اسلامی است. درگاه بیرونی مسجد سنگی، دارای ۴/۷۰



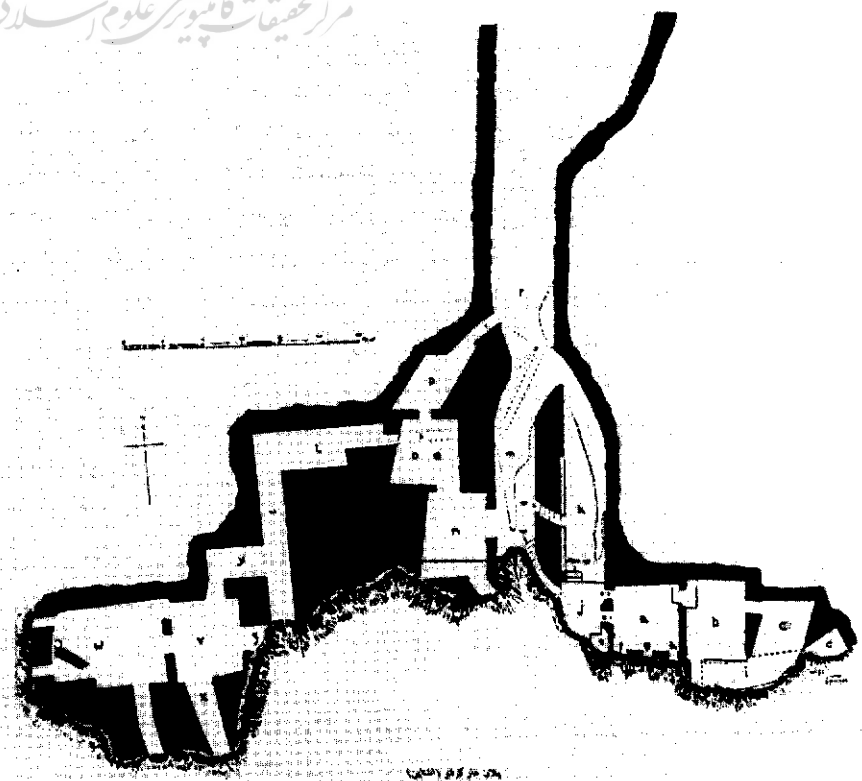
با عبور از سنج به سمت سقز در سمت چپ جاده‌ای در شمال دیوان دره حدود سی کیلومتر از سمت سقز به دو راهی تکاب می‌رسیم که از این دو راهی تا پای غار حدود ۳۶ کیلومتر فاصله است. بنای کرفتو در کنار ساروق رود، حدود شش کیلومتر پایین‌تر در دره‌ای میان صخره‌ها قرار دارد که در اینجا دره اندکی پهن تر می‌شود. غار در کنار یک پرتگاه عظیم واقع و حدود ۱۵۰ متر بلندی دارد.

این غار متشکل از دو بخش است؛ ۱- بخش طبیعی ۲- بخش مصنوعی یا مسکونی که به وسیله انسان ایجاد شده و به قلعه معروف است. برای راه یابی به غار که توسط انسان شکل گرفته می‌بایست از ورودی که در بخش جنوب غربی آن است، با بالا رفتن از پلکان فلزی با ارتفاع نزدیک به ۱۷ متر عبور کرد و داخل غار شد. در ارتفاع ۲۰/۲ سانتی متری از کف ورودی غار نقش سه حیوان جلب نظر می‌کند که در زیر این نقوش تعداد هفت عدد حفره در یک ردیف منظم افقی وجود دارد که احتمالاً به عنوان محل نذورات و یا از آن برای نصب تیرک‌های چوبی برای ایجاد فضای معماری در سقف استفاده می‌شده است. نقوش یاد شده شامل نقش یک بز در سمت راست و نقش اسب در سمت چپ و در بالای این دو نقش که به شکل یک مثلث درآمده‌اند - نقش دیگری کنده شده است. هر دو نقش اسب حالتی ایستاده و عاری از تحرک دارند، اما نقش بز، حالت حرکت به خود دارد. جهت این نقوش به سوی جنوب است. ورودی سمت چپ ما را به سه اتاق هدایت می‌کند،

عرض ورودی که از چندان ظرافتی برخوردار نیست، ۲/۷۰ سانتی متر است. اولین اتاق مربع شکل است که در بخش جنوبی آن راهرویی طولانی به درازای تقریبی ۴/۹۰ سانتی متر و پهنای ۲/۷۰ سانتی متر در ابتدا و ۱/۹۰ سانتی متر در انتها، دیده می‌شود که به احتمال زیاد برای تعبیه نور و تهویه هوا و یا کاربری‌های مانند آن در دل دیوار صخره ای ایجاد شده است. در بخش شمالی اتاق یاد شده درگاهی تعبیه شده که ارتباط این اتاق را با یک اتاق منفرد دیگر در سمت شمالی، که به نظر می‌رسد از آن اتاق منفرد به عنوان انبار استفاده می‌شده، برقرار می‌نماید پهنای درگاه مذکور ۱/۷۰ سانتی متر است. در بخش غربی دو درگاهی شمالی دیوار غربی به پهنای ۱/۵۰ سانتی متر و درگاهی جنوبی ۱/۶۰ سانتی متر است که در گاهی اخیر با قاب‌بندی در حاشیه به شیوه زیبایی در دل دیوار سنگی حجاری گردیده است. پس از گذر از در ورودی که در دیوار غربی اتاق اول ایجاد شده وارد اتاق

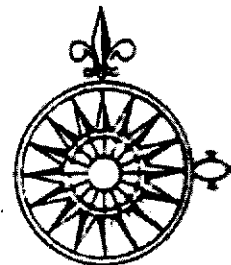
مسجد شهر ایج در نزدیکی شهر فسا در اصطهبانات واقع شده، که همانند مسجد سنگی داراب، در دل کوه کنده شده است. اصطهبانات به مسافت ۷۴ کیومتری فسا و در شرق آن قرار دارد، و فاصله‌ی آن از شیراز ۲۴۰ کیلومتر است. اثر باستانی دور افتاده ای موسوم به ایج یا ایگ وجود دارد، که در کتاب‌های مورخان قدیم ذکر شده است. از جمله در فارسنامه‌ی ابن بلخی - نگاشته شده در اواخر قرن پنجم هجری - نزهت القلوب حمدالله مستوفی و آثار عجم فرصت شیرازی، این مسجد وصف شده است. مسجد ایج یا ایگ، همانند مسجد سنگی داراب، محراب کتیبه داری دارد. کتیبه شامل متنی با دو خط در دیوار جنوبی است، که در آن یاد داشت شده که این اثر در خلال کوشش‌های حاکم وقت (امیرالحاجب) در سال ۶۳۳ هـ.ق. ساخته شده است. طاق سنگی مسجد شهر ایج از جهاتی، شباهت به طاق بستان دارد سکویی در جلوی آن وجود دارد که از مهتابی پایین، به وسیله‌ی چهار پلکان که از صخره بریده شده است، می‌توان به آن دست یافت. مساحت ایوان یا مسجد، ۱۶ متر مربع است. اگرچه قوس‌های مسجد ایج شباهت به قوس‌های ساسانی دارد، اما پیشرفته تر از آنها به نظر می‌رسند. در کنار این طاق سنگی که در دل کوه کنده شده است، یک چهارطاقی سنگی ساسانی که در وسط آن یک چشمه است قرار دارد. این چهار طاقی و طاق سنگی که در کنار چشمه و میان یک دره قرار دارند، بیشتر معابد آناهیتا و فضای مذهبی ساسانی را به خاطر می‌آورند (برداشت میدانی از میترآزاد و حجت‌الله سلیمانی)

مراکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



پلان - درون غار کرفتو - ایج

شمال

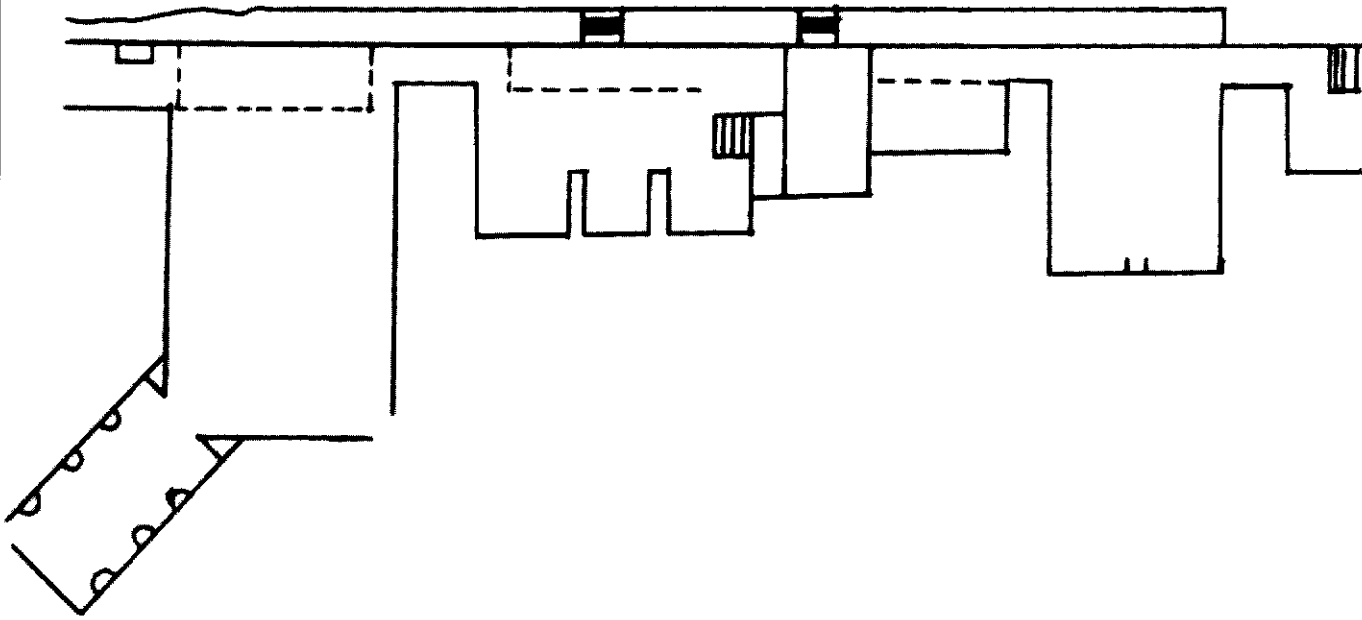


از آن به عنوان محراب یاد کرده اند. در بخش شرقی پاگرد یاد شده دو ورودی وجود دارد. در ورودی جنوبی و در بخش فوقانی آن کتیبه‌ای به خط یونانی به چشم می‌خورد و در قسمت فوقانی ورودی دوم (ورودی شمالی) تزیینات کنده شده با نقوش حیوان و پنجه‌ی دست انسان دیده می‌شود. نقوش حجاری شده‌ی دست‌ها و دیگر عناصر بحث باستان‌شناسی قومی است و حجاری آنها بسیار دشوار بوده است و برخی از این آثار جدید به نظر می‌رسد. پس از عبور از ورودی‌های ذکر شده وارد اولین اتاق از طبقه چهار می‌شویم و از آن می‌توان به عنوان یکی از زیباترین اتاق‌های مسکونی این غار یاد کرد. که از هر حیث از جنبه‌ی حجاری‌های صورت پذیرفته در کف اتاق، قاب بندی ورودی‌ها، ایجاد طاقچه‌های تزیینی در دیوار و دریچه‌های کنده کاری شده درون دیوار و کاربرد روی سقف و قرن بندی شکل آن ایجاد سکو و پله و... قابل بررسی و مطالعه است. (منوچهر حمزه لو - محمود میراسکندری، ۱۳۸۱، صص ۲۹۳-۲۹۰)

### نیایشگاه صخره ای کوگان لرستان :

این غار که با بریدن صخره توسط انسان ساخته شده یا گسترش یافته، در دره ای به همین نام در ۶ کیلومتری جنوب دهکده کوگان واقع شده است. این دهکده در منطقه «چمشک» و در ۴۴ کیلومتری جنوب خرم‌آباد قرار دارد. ارتفاع صخره‌ی محل دهانه‌ی غار از ته دره حدود ۲۵ متر و

دوم می‌شویم این اتاق از اتاق اول بزرگ‌تر است و روشنایی بیشتری دارد. در بخش جنوبی اتاق مزبور راهرویی شبیه به راهرو اتاق اول و در دیوار سنگی ایجاد شده که درازای این راهرو به ۶/۲۰ سانتی متر و به پهنای ۱/۷۰ سانتی متر در ابتدا و ۱/۹۰ سانتی متر در انتها می‌رسد بر روی دیوارهای این راهرو نقوشی به شیوه‌ی کنده کاری در داخل دیوار دیده می‌شود که شامل نقوش هندسی: لوزی و دایره و... نقوش حیوانی، اسب، گوزن و... و نقوش ترکیبی انسان و حیوان که انسان سوار بر اسب است. در داخل دیوار شمالی و شرقی و جنوبی اتاق مزبور حفره‌هایی در دل دیوار سنگی کنده شده که مشابه حفره‌های ایجاد شده در اتاق شماره یک است. کف اتاق دوم دارای حفره‌های طبیعی و مصنوعی متعدد و سطحی ناهموار است. اتاق سوم شکلی نیم دایره دارد و دارای دو دریچه‌ی تهویه و نورگیری در قسمت غربی است. برای رسیدن به طبقه‌ی سوم می‌بایست از سالتی که پس از طی مسیر از نردبان به داخل غار و در مجاورت اتاق اول طبقه دوم در سمت راست آن قرار گرفته عبور کرد. حفره‌هایی نظیر اتاق اول، در اتاق دوم قابل رویت است و آن چه که درباره‌ی اتاق دوم از طبقه سوم می‌توان به آن اشاره نمود ستون سنگی است که بقایای آن در کف و سقف اتاق قابل مشاهده است که بخش میانی آن فرو ریخته است. اتاق سوم از طبقه‌ی سوم را می‌توان به عنوان مهم‌ترین اتاق این طبقه یاد کرد زیرا که دارای تزیینات بیشتری در داخل دیوارهای آن است. در قسمت جنوبی غربی اتاق مزبور سکویی مرتفع دیده می‌شود. بر روی دیوار غربی تزییناتی حجاری شده که به شکل طاقچه است و به طرز زیبایی در دل دیوار سنگی حجاری گردیده به گونه‌ای که برخی از محققان



می‌شود. قسمت دوم غار نیز از چند اتاق و راهرو رابط و فضاهای جانبی محرابه مانند و از هم مجزا، تشکیل شده است. کف عمومی - قسمت دوم غار حدود ۳/۴۰ متر بالاتر از کف قسمت اول غار است. اغلب فضاهای تعبیه شده‌ی غار از ابتدای ورودی تا انتها به تناسب دریچه‌های تامین دید با هم اختلاف سطح دارند. مساحت کل فضاهای تعبیه شده این غار دست ساز حدود ۲۸۱ متر مربع است. هرچند سفالینه و شواهد باستانی قسمت‌های دامنه‌ای دره در مجاورت رودخانه با شواهد اوایل هزاره دوم پیش از میلاد و بعد از آن قابل مقایسه می‌باشد، ولی مطالعه‌ی این معماری صخره‌ای که نشان پاک اندیشی و تیزهوشی، پشتیبیان و اعتلای فرهنگ آنان است، از هر حیث واجد اهمیت خاص است.

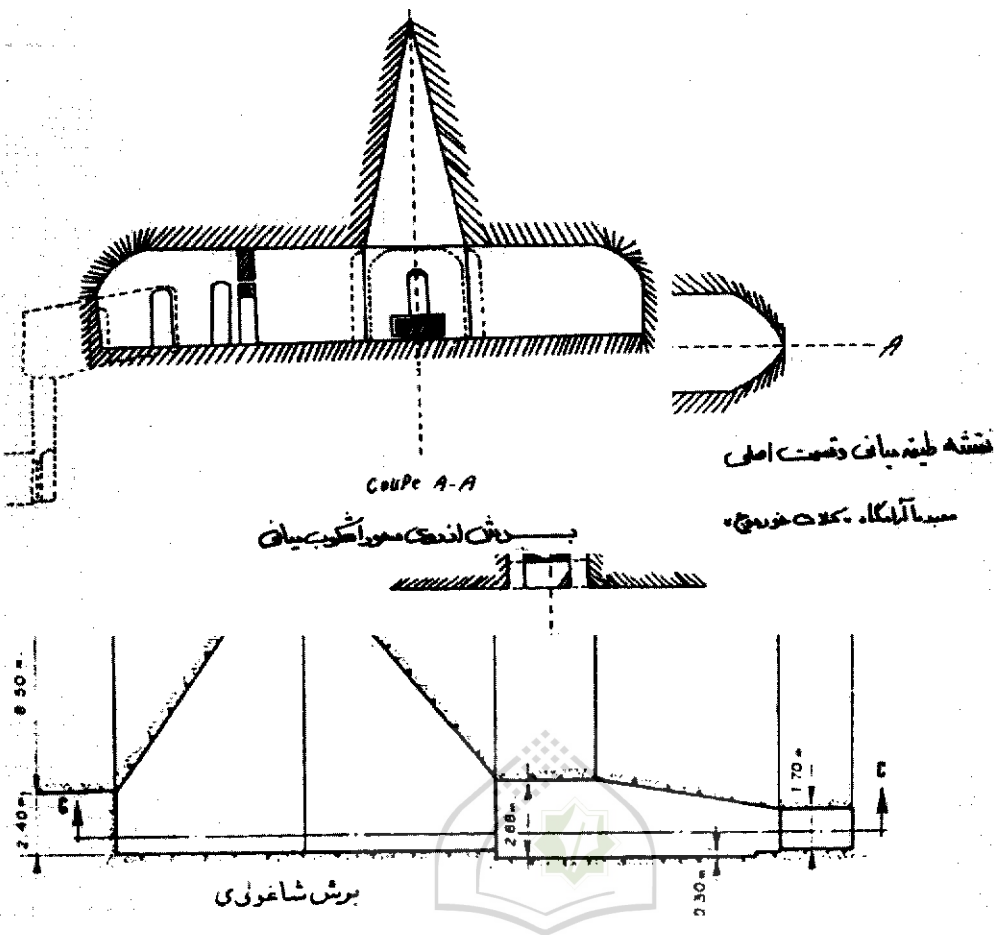
ارتفاع ورودی تعبیه شده غار که در صخره کنده شده است از سطح باریکه‌ی راهی که از دامنه‌ی صخره یکپارچه می‌گذرد نزدیک ۸ متر است. این ورودی به سمت شمال باز شده است و در امتداد جهت غربی آن چند دریچه مشرف بر دره‌ی مجاور غار با اختلاف سطح و با فاصله از هم، برسینه‌ی صخره‌ی یکپارچه کنده شده است، این دریچه‌ها دیدگاه فضاهای غارند.

قسمت اول غار دارای چند اتاق و فضاهای جنبی است. این قسمت پس از طی یک راهرو و چند پله به قسمت دوم غار مربوط

### نیایشگاه قلعه کوهزاد

قلعه کوهزاد نام بنایی مذهبی - تاریخی است که راز معنویات پیشینیان هوشمند را بازگفته و کلید شناسایی بینش مذهبی آنان و دستیابی بر رموز ناشناخته‌ی نیایش آیین پرآوازه مهر است. این بنای غریب افتاده و خاموش، با ۸۰۰ متر ارتفاع از سطح دشت بر فراز قله شرقی کوه منفرد «ویزنهار» در غرب بخش «رومشگان» قرار دارد.





است. دیواره‌های این بنا در سر زوایا فاقد فقل و بند بوده و ضخامت آنها بین ۰۸ تا ۱۲۰ سانتی متر است. براساس نتایج حاصله بررسی مقدماتی گفته می‌شود که قلعه‌ی کوهزاد مهرابه‌ای بازمانده از پیروان آیین دیرینه‌ی مهر بوده که در اوایل دوره اشکانی ساخته شده است. افزون بر این، ادامه‌ی کاوش این بنا و محل تامین و انتقال مصالح و ملزومات بر پای‌ی آن که در حال حاضر حدود ۲/۵ کیلومتر در جهت غربی از روستای قاطرچی فاصله داشته و در فرورفتگی دامنه شرقی کوه ویزنهار قرار دارد می‌تواند گامی در جهت بازخوانی این دفتر ناگشوده بوده و از هر حیث ارزشمند و پربار باشد. ( مرکز اسناد - اداره میراث فرهنگی استان لرستان)

### غار نیاسر کاشان

این غار از عجایب و نوادر آثار باستانی است. در حدود ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل، در دل کوه کرکس و بر فراز تپه‌های آهکی مشرف بر نیاسر کاشان و احتمالاً با مقاصد آیینی و مذهبی به صورت تونل سنگی و پریچ و خم با ابزار ابتدایی کنده شده است. غار نیاسر شامل

فاصله بنا از روستای دامنه شرقی کوه ویزنهار که «قاطرچی» نامیده می‌شود حدود ۱۲ کیلومتر است. راه دسترسی به این بنای تاریخی از روستای قاطرچی منشعب و به صورت ماریچ کمرکش کوه را پشت سر گذاشته و بر فراز کوه ویزنهار می‌رسد. این راه در فاصله‌ی ۳ کیلومتری از کوهزاد به بقایای راه ارتباطی قدیم آن متصل می‌شود.

قلعه کوهزاد با مصالح سنگ و گچ در ابعاد حدود ۱۷×۳۵ متر بر سطح کوه ساخته شده و مساحت آن بدون محاسبه ساخت و سازهای پراکنده گرداگرد حدود ۶۰۰ متر مربع است و جهت بنا با جزئی اختلاف شرقی غربی و ورودی آن که وارد فضایی به ابعاد ۲/۷×۶/۱۰ متر می‌شود، در سمت شرق قرار دارد. در جوانب شمالی - جنوبی این فضا دو دهلیز به پهنای ۲ متر تعبیه شده که دهلیز شمالی به چهارطاقی اصلی بنا و دهلیز جنوبی به اتاق جنبی آن ختم می‌شود. ابعاد چهارطاقی اصلی ۸/۳ متر می‌باشد، در سمت‌های شمال و جنوب این چهارطاقی که محل نهایی نیایش پیروان آیین مهر بوده است. دو اتاق ساخته شده که بازوی بنا محسوب شده و آن را به شکل صلیب آراسته اند، در رأس غربی بنا با کمی پس نشستگی از چهارطاقی اصلی، بعدها چهارطاقی دیگری ساخته و به آن ملحق نموده اند، گویا این فضا محل نیایش بغ بانو آنهایتا، الهه آبها بوده



غار و نیایشگاه کرفنو - اشنایین

مجموعه‌ی زیرزمینی و پیچیده‌ای است که از راهروهای تنگ و طولانی و اتاق‌ها و چاه‌های متعددی تشکیل شده و دسترسی به اعماق آن‌ها بدون بهره‌گیری از وسایل پیشرفته‌ی امروزی ممکن نیست

این غار که به «سوراخ رییس» یا «غار ویس» شهرت دارد، قرن‌ها نامکشوف ماند و در هیچ یک از متون تاریخی و آثار تحقیق قرون اخیر به رسم ذکر سایر بناهای تاریخی منطقه نظیر آتشکده‌ی نیاسر (بنا شده توسط اردشیر بابکان موسس سلسله ساسانیان)، مورد اشاره قرار نگرفته است. غار نیاسر در سه طبقه و با حفر چاه‌های متعددی کنده شده است. طول دالان‌ها و اتاق‌های این غار هزار تو بالغ بر ۵۰۰ متر و سطح مقطع اکثر گذرگاه‌های زیرزمینی آن کم تر از یک متر مربع، و در بعضی از افق‌ها ۷×۱۰۰ سانتی متر مربع می‌رسد. افق‌های ارتفاعی گوناگون آن توسط ۴۵ حلقه چاه، به عمق تقریبی ۱۱۸ متر به یکدیگر متصل می‌شوند.

فرسایش سطحی، دچار رسوب گرفتگی و زنگار شده است و در حال حاضر، بدون آن که به دیوارها و ستون‌ها آسیبی وارد شود، توسط گروه‌های معدنی شرکت زغال سنگ البرز شرقی وابسته به شرکت ملی فولاد ایران در حال پاکسازی است. این غار دیواره‌های صخره‌ای مشرف به نیاسر، چهار دهانه ورودی دارد و شامل دو قسمت مجزا است. بخش مرکزی آن مجموعه‌ای است از هفت اتاق که در سطوح ارتفاعی گوناگون در دل کوه به نحوه استادانه‌ای حجاری شده است و از طریق چاه‌های متعدد و دالان‌های زیر زمینی به طبقات زیرین مرتبط می‌شود.

بخش دیگر، یک دالان طولانی با شیبی ملایم و چاه‌های مرتبط است که به باغ زیبای تالار منتهی می‌شود. در قسمت انتهایی این بخش، در باغ تالار، بخش بزرگ مرکزی دیگری با اتاق‌های متعدد تعبیه شده است. در این مسیر، آثاری نظیر سنگ آسیاب (به‌عنوان در پوش چاه‌ها)، آب انبار و مجاری ویژه‌ای مشاهده می‌شود. از شگفتی‌های این غار انسان ساخت بودن آن است. کمبود هوا

غار نیاسر طی قرون و اعصار متمادی به دلیل آب گرفتگی و



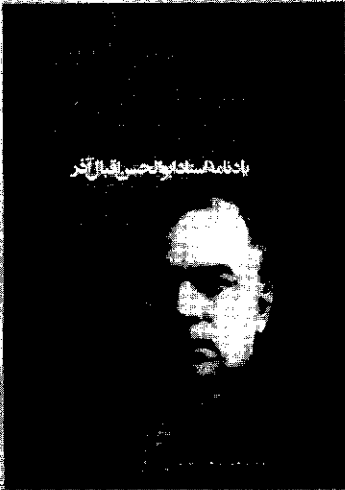
در هیچ نقطه ای از آن احساس نمی‌شود و حتی در عمیق ترین نقاط آن عمل تهویه به طور طبیعی انجام می‌گیرد.

غار نیاسر دارای بیست اتاق با مساحت کلی ۵/۱۷۶ متر مربع است و بزرگترین اتاق آن ۲۸/۶ متر مربع، و کوچک ترین آن ۱/۸ متر مربع مساحت دارد.

یکی از فرضیات در مورد منشاء تاریخی این غار بیانگر این است که در ساخت آتشکده‌ی نیاسر از سنگ‌های تراشیده شده حاصل از کندن غار استفاده شده است. احتمالاً زمان حفر غار پیش از زمان احداث آتشکده است. این غار در ادوار گوناگون موارد استفاده‌ی نظامی و دفاعی داشته و چاه‌های آن برای اشخاص نا آشنا بسیار خطرناک و مهلک است.

### نتیجه‌گیری:

در مذهب آریایی‌ها کوه عنصری مقدس و مورد احترام بوده و نقش مهمی در آداب مذهبی داشته است. نیایش در دل غارهایی که گاه به صورت طبیعی وجود داشته و گاه در دل سنگ‌ها کنده می‌شده، انجام می‌گرفت. از کوه‌های مقدس ایران می‌توان به کوه البرز و به ویژه قله‌ی دماوند (که در اعتقاد کهن ما یک سر پل صراط یا چینوت بر روی آن قرار دارد)، کوه خواجه در سیستان، کوه بیستون، کوه الوند، کوه رحمت و..... اشاره کرد که از مناطق مهم مذهبی در دوره‌های ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی بوده‌اند. از نقشه‌های ارایه شده در مورد معابد مهر در ایران نتیجه می‌شود که این معابد بیشتر با نقشه‌ی چلیپا ساخته شده‌اند.

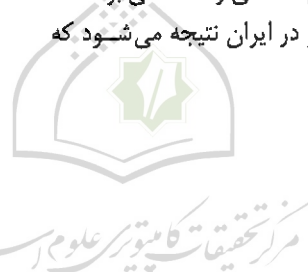


دکتر سید جواد حسینی

با زمزمه هزار داستان  
به اهتمام سید جواد حسینی  
نشر فی

اثر حاضر، تلاش هشت ساله‌ای است برای ارائه شناختی مستندتر از زندگی، آثار و آراء اقبال آثر و تلقی معاصران او از هنر وی. فصل اول کتاب به تفصیل از زندگی و فعالیت‌های هنری اقبال سخن می‌گوید که به حق می‌توان او را سلطان موسیقی ایران نامید. نایب‌های که در سال ۱۳۹۰ هجری قمری در روستای الوند در نزدیکی قزوین متولد شد. اقبال فعالیت‌های هنری‌اش را با ترمیم‌خوانی شروع و در دوازده سالگی شاکرد حاج ملاکریم جناب شد و ردیف‌های موسیقی ایرانی را نزد او فرا گرفت.

اقبال آثر در سال ۱۳۹۲ شمسی همراه با جمعی از هنرمندان آن روزگار برای اجرای کنسرت و ضبط صفحه‌ی موسیقی به تلبیس سفر کرد. با اشغال آذربایجان به دست نیروهای بیگانه در سال ۱۳۲۰ شمسی، هنر خود را در خدمت دفاع از حریم ایران نهاد و پس از عمری کوشش در راه حفظ حریم هنر اصیل موسیقی ایران، سرانجام در تاریخ سوم اسفند ۱۳۴۹ چشم از جهان فرو بست.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم

### منابع:

- ۱- احمدی، سعید، معماری مساجد صخره ای در ایران، مسجد، شماره ۵۲.
- ۲- پورداود، ابراهیم (مترجم)، یسنا (دو جلد) به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- ۳- بیرنیا، حسن، اقبال، عباس، تاریخ ایران، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۷۵.
- ۴- حامی، احمد، بغ‌مهر، ۱۳۵۵.
- ۵- حمزه لو، منوچهر - میر اسکندری، محمود. غار کرفتو مجله‌ی اثر ۱۳۸۱، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- ۶- خدادادیان، اردشیر، تاریخ ایران باستان. آریایی‌ها و مادها؛ انتشارات تشیر، ۱۳۷۶.
- ۷- ورجاوند، پرویز. نیایشگاه قدمگاه نشانی از یک معبد مهر و شاهکاری از معماری صخره ای، هنر و مردم
- ۸- ورمازرن، مارتین، آیین میترا، ترجمه‌ی بزرگ نادرزاد، نشر چشمه، ۱۳۷۲.
- ۹- هینلز، جان. شناخت اساطیر ایران، ترجمه‌ی زاله آموزگار، احمد تفضلی، نشر آویشن، چشمه، ۱۳۷۷.